

صداهایی نو، دوباره می خوانند!

نگاهی به برگزاری پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید – سوئد

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com



ویکتوریا هوس – Viktoria hus محل دفتر جشنواره و سینما هاگا - Hagabion سینمای مرکزی جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید – سوئد

برای من به فعال حرفه ای عرصه های فرهنگی - هنری و سیاسی خبر برگزاری دوره جدید جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید – سوئد، آن هم در سالن های باز سینماها و با حضور فیزیکی تماشاگران و سوسه برانگیز می آمد. آن هم در دوره ای که همه جهان تحت تاثیر کرونا و محدودیت های ناشی از آن قرار گرفته اند. روزهایی که در واقع اکثر فعالیت ها و مراسم ها در عرصه های عمومی و فضاهای زندگی مردم "بسته" و "ایستا" بود. انعکاس اطلاعیه مطبوعاتی جشنواره و برگزاری برنامه های گسترده آن در فضاهای باز به نظر خبری دور از واقعیت می نمود. با این وجود به عنوان علاقمند دیرینه به جریان حرکت این جشنواره کنجاو بودم تا از نزدیک چگونه گی برگزاری این دوره را ببینم. جدا از شناخت دیرینه ام از جمع خستگی ناپذیر مهینی و یارانش، برای پی گیری مداومشان در واقعیت بخشیدن به این رویداد با تمام دشواری ها و موانع موجود. از 1993 تا به امروز وبا تجربه سی ساله کار برگزاری

جشنواره، آن هم در وضعیت امروز، و در این بحبویه هول و هراس عمومی کرونایی چرایی و چگونه گی برگزاری آن برای من پرسش برانگیز بود.

دغدغه های ذهنی ام متوجه حفظ سلامتی و وضعیت جلسه های نمایش با حضور تماشاگران و سینماگران بود. تصور منطقی ام از اجرای برنامه ها در فضای کنونی کرونایی این روزها اجرای اینترنتی آن می توانست باشد؟ یا شاید هم حد اکثر در راستای کارکرد تبلیغاتی بیرونی! آیا تعداد محدودی از جلسه های نمایش فیلم ها را با حضور انگشت شمار تماشاگران برگزار خواهند کرد؟

با چنین تصورات و تردیدها بی و با وجود مشغله های دیگرم، باتوجه به اهمیتی که کار برگزاری جشنواره برای من داشت، راهی شهر گوتنبرگ، این دومین شهر و مهم ترین بندر صادراتی و کارگری سوئد شدم تا همراه با دیگر علاقمندان وفادار به جشنواره در آن شرکت کنم.

البته در طول سال های گذشته شانس آن را داشتم تا در برخی از دوره های آن شرکت کرده و از نزدیک شاهد کار سترگ این جشنواره در عرصه ارایه فیلم های سینمای تبعید باشم.

در ابتدای ورودم به محل دیدار مهمانان جشنواره، مسئول ارتباطات آن نادر جعفری از من استقبال می کند. اسم من به عنوان روزنامه نگار در لیست مهمانان مطبوعاتی جشنواره ثبت شده است. او پوشه ای را به من می دهد. پوشه حاوی کتابچه وزین سی و دو صفحه ای تمام رنگی همراه با تصویر و توضیح برنامه های جشنواره و اطلاعات مربوط به فیلم ها و ساعت ها و محل نمایش آن ها است. کتابچه به صورت وسیع در سطح شهر و مراکز فرهنگی و عمومی به رایگان توزیع شده است. پوشه علاوه بر کتابچه، و کارت خبرنگاری من حاوی نقشه و اطلاعات مربوط به محل های نمایش فیلم ها،

محل جلسه های بحث های آزاد - Open Forum ، محل اقامت مهمانان و محل دفتر جشنواره بود. جنب و جوش جمع برگزار کنندگان جشنواره و مهمانان آن تصورات تردیدآمیز اولیه ام را کنار می زند. از ایستایی و هول و هراس خبری نیست. همه چیز زنده و پرشور است. دکتر یونس کهوری از همکاران جشنواره مهمانان کرد را، سازندگان فیلم های "برای آزادی (اسم کردی و اصلی فیلم) - The End Will Be Spectacular" (1) و "زندان یا تبعید - Prison or Exile" از فرودگاه آورده است. اما با این تفاوت که مهمانان کرد دعوت شده به جشنواره قرار بود سه نفر باشند. اما حالا اکثر گروه سازنده فیلم ها، یعنی پنج نفرشان با اشتیاق برای شرکت در جشنواره از آلمان و ترکیه به گوتنبرگ آمده اند. رفقای مسئول تدارکات و هماهنگی جشنواره: نادر جعفری ، اصغر رجبی و علی کلایی به دنبال چاره جویی برای اسکان مهمانان ناخوانده می باشند! مشکل اساسی این است که همه ی هتل های مناسب با بودجه ی محدود جشنواره در شهر، اشغال هستند و اطاق خالی ندارند. من هم که به زبان ترکی استانبولی آشنا هستم در ترجمه گفتگوها به آن ها کمک می کنم.

در این لحظه های اولیه ی آشنایی فرصتی پیش می آید که با دوستان سازنده فیلم "ستاره گمشده - Lost Stars" عبدالرضا کهن روز و هومن میرفتحی که از آلمان آمده اند گپ کوتاهی بزنم.

همه با اشتیاق در انتظار افتتاح جشنواره هستیم. که قرار است فردا روز جمعه دوازدهم نوامبر آغاز شود. اگرچه با خبر می شویم که دو روز قبل از افتتاح رسمی جشنواره، یعنی روز چهارشنبه دهم نوامبر در منطقه مهم حاشیه نشین شهر گوتنبرگ - منطقه آنگرد - Angered با برنامه فوق العاده بسیار مهمی به پیشواز افتتاح جشنواره رفته اند. برنامه ای

با نمایش فیلم "دشمنان بچه‌ها – Children of the Enemy" با حضور کارگردان فیلم "گورکی مولر - Gorki Muller" و شخص اول فیلم "پاتریسیو گالوز - Patricio Galvez". مرد خارجی تبار شیلیایی که دخترش به جهادپست‌ها پیوسته بود و در آنجا نیز کشته می‌شود.



فیلم دشمنان بچه‌ها و پاتریسیو گالوز- پدر بزرگ کودکان اسیر در اردوگاه "الهول" سوریه

فیلم روایت مستند و بی واسطه‌ی تلخی از تلاش‌های رنج‌آور پاتریسیو در چنبره دیوان‌سالاری دولت‌ها، برای نجات هفت نوه خود از اردوگاه جهادی‌ها در سوریه و انتقال آن‌ها به سوئد است. این برنامه با همکاری مشترک جشنواره، تاتر آنگرد و چند انجمن مهم همراه با بحث و گفتگو پیرامون مسئولیت‌های فردی و جمعی در این تراژدی برگزار شد. اساساً برگزاری جلسات نمایش فیلم و برنامه‌های جشنواره در مناطق حاشیه نشین شهر گوتنبرگ همواره از سیاست‌های پایه‌ای جشنواره در راستای غیرمتمرکز کردن فرهنگ و هنر، به ویژه سینما بوده است.

حسین مهینی، دبیر هنری جشنواره در بخشی از سخنان افتتاحیه خود، درباره روند تدارک برنامه‌های این دوره از جشنواره و شعار محوری آن "هنوز امید" چنین آغاز کرد:

«من در تبعیدم

چون هنوز امید وارم»

سال‌ها پیش بود که تئو آنجلوپولوس - Theo Angelopoulos "شاعر و سینماگر بلند آوازه یونان این پیام را برای من و یارانم در جشنواره فرستاد.

در طول این نزدیک به سی سال، همین باورمندی امیدواری به آینده روشن، نیروی پیش‌برنده برگزاری دوره‌های جشنواره ما بوده است. حتی در این دوران کرونایی!

ما متأثر از کلام جادویی تئو آنجلوپولوس، با شعار محوری "هنوز امید"، کار تدارک دوره پانزدهم جشنواره را آغاز کردیم.

با توجه به مصوبات اداره بهداشت سوئد، برنامه ما برگزاری نمادین جشنواره در موعد مقرر - که به سنتی با فاصله دوساله تبدیل شده است - در یک محدوده کوچک و به صورت برگزار اینترنتی آن بود. که ناگهان به طور غیرمنتظره

فضا برای برگزاری برنامه های عمومی باز شد. طبیعتاً این امکان مهمی برای ما بود. چراکه ما می توانستیم به روال عادی و در موعد دوره ای جشنواره را برگزار کنیم. ما از باز شدن این فضا استقبال کردیم. و با وجود محدودیت زمانی و کوتاه بودن فرصت، برای تدارک دوره جدید جشنواره بسیج شدیم تا این دوره را هم همچون دوره های گذشته با کیفیت مطلوب برگزار کنیم. تدارک جشنواره با سرعت پیش می رفت و ما برنامه های متنوع گسترده ای را از لحاظ موضوع ها و تم ها آماده ساخته بودیم که با ورود طالبان به کابل در ۱۵ آگوست فصل دیگری هم در تاریخ افغانستان و هم در تاریخ دوره ای برگزاری جشنواره ما پیش آمد.

در دوره های گذشته، همواره جشنواره ما، صحنه آزاد ارایه آثار سینماگران افغانستان به ویژه زنان سینماگر افغانستانی بوده است. نه تنها به مناسبت چنین رابطه ای ارگانیک که جشنواره ما با مقاومت آزادی خواهانه هنرمندان افغانستان داشت، بلکه با تراژدی که در شرف وقوع بود و زندگی هزاران انسان نجیب و شریف افغانستان را به نابودی می کشاند، نمی توانستیم به عنوان جریانی متعهد بی تفاوت باشیم. به خصوص در رابطه با موقعیت زنان.

در نتیجه کل برنامه های از پیش تعیین شده را تغییر دادیم و با مشارکت خود زنان سینماگر افغانستان برنامه ای را با عنوان **"زنان افغانستان می توانند!"** تنظیم کردیم. البته مجبور شدیم که تعدادی از برنامه ها را که تنظیم کرده بودیم حذف کنیم و بخش عمده ای از امکانت نمایش فیلم های این دوره از جشنواره را به برنامه ویژه افغانستان اختصاص دهیم."



سینما روی- Roy ، مراسم افتتاح جشنواره

برنامه افتتاح جشنواره غروب جمعه ۱۲ نوامبر ۲۰۲۱ در سینمای قدیمی و تاریخی شهر، سینما روی- Roy آغاز شد. بخش عمده مراسم افتتاحیه را برنامه فوق العاده افغانستان "زنان افغانستان می توانند!" تشکیل می داد. برنامه با سخنان خانم آزاده نجفی – مجری برنامه، و از شاعران و کنشگران رهایی خواه افغانستانی، آغاز کرد. او در سخنانش به قدرت رسیدن مجدد حکومت زن ستیز طالبان را سرآغاز دورانی سیاه در افغانستان به ویژه برای زنان و کودکان نامید. وی گفت: "امروز زنی که حامله است نمی تواند از خانه اش بیرون بیاید و به درمانگاه و بیمارستان و دکتر برود. چرا که به

دستور طالبان زنان حق ندارند از خانه بیرون بیایند. و آن ها مجبور هستند که با آن وضع خطرناکشان در خانه بمانند و ببینند چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد."

خانم آزاده در ادامه گفت: "در تمام افغانستان فقط دو مدرسه دخترانه باز شده است و بقیه همه تعطیل هستند و دختران دانش آموز باید در خانه بمانند." سخنران بعدی روزنامه‌نگاری بود که با ورود نیروهای طالبان به کابل مجبور به فرار از افغانستان شده و به سوئد پناه آورده بود. مشاهدات مسقیم او از چگونه گی هجوم طالبان و سرکوب مردم به ویژه زنان، شهادت های زنده و تکان دهنده ای بود.



آزاده نجفی مجری برنامه افتتاحیه و از کنشگران رهایی خواه افغانستانی.

سپس "رنوف سرخوش" خواننده و نوازنده افغانستانی ترانه های "لعل بدخشان" و "سرزمین من" را اجرا کرد:

"بی‌آشیانه گشتم، خانه به خانه گشتم
بی تو همیشه با غم، شانه به شانه گشتم
عشق یگانه من، از تو نشانه من
بی تو نمک ندارد، شعر و ترانه من
سرزمین من، خسته خسته از جفایی
سرزمین من، بی‌سرود و بی‌صدایی
سرزمین من، دردمند و بی‌دوایی
سرزمین من..."

سپس آقای "کنی پترشون – Conny Pettersson" رئیس "آ. ب. اف - ABF" - اتحادیه های آموزشی سندیکا های گارگران سوئد (2)، در واقع حامی اصلی جشنواره صحبت کرد. او گفت: آ.ب.اف از این جشنواره حمایت کرده است. چرا که برگزاری چنین جشنواره هایی به همبستگی انسانی کمک می‌کند. نمی‌توان درباره این فستیوال سخن گفت و به تلاش‌های حسین توجه نکرد. حسین سال‌های زیادی است در این عرصه تلاش کرده و هنوز هم تلاش می‌کند. پس از این سخنرانی نوبت به مهینی و لحظه‌های افتتاح جشنواره رسید. حسین مهینی نیز در ادامه این مراسم گفت:

"به طور سنتی ما همواره دوره‌های جشنواره را با پیامی افتتاح می‌کردیم. پیامی که محتوای آن نماد آرزوها و باورهای ما به آینده بود. آینده‌ای با جهانی دیگر، جهان آزادی و برابری انسان ها، جهان بدون سلطه گرها و سلطه پذیرها. برگزای ری جشنواره ما، تلاشی است در راستای تحقق چنین جهانی با اتکاء به نمایش و تأثیر گذاری فیلم های سینماگرای تبعیدی.

اما امسال در این دوره ایده‌ال‌هایمان را در ترانه جاودانه "صداهای نو می خوانند – Ska Nya Röster Sjunga" از "میکاییل ویه - Mikael Wiehe (3) یافته ایم. این ترانه جاودانه را دانش‌آموزان مدرسه "اینگرید سگراشتد Ingrid Segersted"، در پرده برداری از مجسمه اینگرید سگراشتد، این زن مبارز ضدفاشیسم و ضد راسیسم در هفته قبل خواندند. ما از دانش‌آموزان دعوت کردیم تا این ترانه را در افتتاحیه جشنواره ما هم اجرا کنند. ما امشب افتخار می‌کنیم که این جوانان با ترانه جاودانه «صداهای نو دوباره می خوانند» جشنواره ما را افتتاح می‌کنند." در این لحظه ها طنین ترانه جاودانه میکاییل ویه - Mikael Wiehe با صدای شش نفر از دانش‌آموزان همراه با نوازندگی استاد موسیقی شان سالن سینما را لبریز از شور و امید می‌کند:

"یک چیز قطعی است

و آن جریان زندگی است

بازگشت مجدد هرچیز

شروع دوباره همه چیز

هرچند صدای ما ضعیف و خاموش می‌شود

اما صداهایی نو، دوباره می‌خوانند

صداهایی نو، دوباره می‌خوانند

وقتی پا به سن گذاشته ایم

و موهایمان سپید شده است

وقتی زندگی رو به تاریکی می‌نهد

و روزهایمان سپری شده است

وقتی قامتمان خمیده است

... و گامهایمان سنگین

آنگاه صداهایی نو، دوباره می‌خوانند

ترانه های آزادی، عدالت و صلح را

ترانه های خلقی که هیچگاه کمر خم نخواهد کرد

ترانه های عشقی که هرگز خاموش نخواهد شد

آری، صداهایی نو، دوباره می خوانند

صداهایی نو، دوباره می خوانند." (4)

و برنامه فیلم شب افتتاحیه با نمایش یک مجموعه هفت قسمتی از فیلم های کوتاه انیمیشن آغاز می شود. این مجموعه را دانشجویان رشته ی انیمیشن - سه بعدی دانشگاه غرب سوئد، براساس تم های برنامه های جشنواره، به عنوان پایان نامه دوره هایشان ساخته اند. این دانشجویان در سه گروه و متشکل از یازده نفر بودند. این فیلم ها به عنوان تیزر در برنامه های نمایش فیلم ها در طول جشنواره نشان داده شدند.

فیلم سینمایی افغانستانی "حوا- مریم - عایشه" ساخته صحرا کریمی پایان بخش برنامه شب افتتاحیه بود. در این دوره از جشنواره در مجموع 30 فیلم از 17 کشور مختلف در پنج مرکز فرهنگی و سینما در طول یک هفته به نمایش گذاشته شد.

فیلم های ایرانی انتخاب شده این دوره از جشنواره عبارت بودند از:

- میترا - ساخته کاوه مدیری - از آلمان
- فردا آزاد خواهیم شد - ساخته حسین پورسیفی - از آلمان
- داخل جعبه شرودینگر - Into Schrodinger`s Box ساخته نسیم تقوی و امیر گنجوی - از کانادا
- دیگری در سرزمین خود - Others 'In Their Own Land _ sub _ light ساخته فرید حائری نژاد - از کانادا
- بنزین خونین - ساخته رضا آزادی - از هلند
- پرندگان مهاجر- Migrant Birds Fly - ساخته ارسلان براهنی - از کانادا
- ستاره گمشده - ساخته عبدالرضا کهن روز- از چکسلواکی

از نکات مهم جشنواره رایگان بودن جلسه های نمایش فیلم و برنامه های آن برای پناهندگان و دانش آموزان مدارس بود. به گفته حسین مهینی بیش از پانزده مهمان خارجی از اروپا و کانادا مهمان جشنواره بودند و در جلسات نمایش فیلم ها و بحث و گفتگوها شرکت داشتند.

از اتفاق های مهم در طول برگزاری جشنواره، حمله سایبری و خرابکاری در وبسایت جشنواره بود. این خرابکاری ها چندین بار تکرار شد، به خصوص در روزهای اصلی برگزاری جشنواره و کلا بخش انگلیسی وبسایت را از مدار خارج کرده و از کار انداخت. آسیب وارده به حدی بود که از نظر فنی امکان بازسازی آن در محدوده زمانی کوتاه امکان پذیر نبود. حادثه ای که منجر به قطع ارتباطات جشنواره با خارج از جغرافیای اسکاندیناوی شد. به باور مهینی حمله کنندگان سایبری به سایت جشنواره، افراد، گروه ها و وابستگان به دستگاه های فکری و سیستم های حکومتی از جمله رژیم جمهوری اسلامی بوده اند که گفتگو های آزاد فرای ایدئولوژی ها و فرای مرز های نژادی و جنسیتی را حتی در اشکال بیانی هنری از جمله سینما بر نمی تابند و در پی سلطه ی دیکتاتوری، استثمار و اختناق می باشند. از مشکلات دیگر این دوره پخش اطلاعات گمراه کننده از طریق رسانه های اجتماعی در باره تاریخ و زمان های نمایش فیلم ها بود. این خرابکاری ها در مورد فیلم های کردی شدت بیشتر و دامنه گسترده تری داشت.

در این جشنواره دو فیلم از کردستان ترکیه و مبارزات مردم نمایش داده شد که هم کارگردان‌ها و هم دو تن از بازیگران آن در جلسات نمایش فیلم شرکت داشتند.

فیلم‌های سینمایی " برای آزادی" ساخته ارسین چلیک - Ersin Celik و " زندان و یا تبعید" ساخته شریف چیچک Serif Cicek از ترکیه و آلمان - در ارتباط با مبارزات مردم کرد ترکیه در این جشنواره بودند.



ارسین چلیک کارگردان فیلم برای آزادی

جهت گیری این دو فیلم علیه دولت فاشیستی ترکیه و جنگ نابرابر ارتش و پلیس ترکیه علیه مردم کرد و همچنین دفاع از آزادی و برابری انسان‌ها می باشد. رفتار و منش کارگردانان این فیلم‌ها و همچنین بازیگران آن‌ها نشان می‌دهد که چقدر به آزادی و برابری و احترام متقابل پای‌بند هستند. بی‌تردید چنین روحیه‌ای در آثار هنرمندان و نویسندگان نیز انعکاس یافته و توجه خواننده و بیننده را به خود جلب می‌کند.

اما متأسفانه از کردهای ایرانی ساکن گوتنبرگ برای دیدن این فیلم‌ها در جشنواره خبری نبود

روز دوشنبه 15 نوامبر، در سومین روزبرگزاری جشنواره فیلم "بنزین خونین" ساخته رضا آزادی به نمایش گذاشته شد. این فیلم مستندی است در باره اعتراض‌های سراسری مردم در ایران علیه گرانی بنزین در آبان‌ماه سال 1398؛ و کشتار مردم به جان آمده از فقر توسط جمهوری اسلامی. فیلم با استفاده از اسناد تصویری مستقیم و بی واسطه‌ای که توسط تلفن‌های دستی خود مردم ضبط و در رسانه‌های اجتماعی پخش شده بود و همینطور اسناد صوتی محرمانه نیروهای امنیتی تدوین و روایت تکان دهنده و روشنگرانه‌ای از روزهای خونین آبان ماه سال 1398 شده است.



رضا آزادی کارگردان فیلم بنزین خونین – حسین مهینی در بحث و گفتگوی بعد از نمایش فیلم

تاریخ و روزانتخاب شده برای نمایش این فیلم، نشانه‌ی هشجاری سیاسی برگزارکنندگان جشنواره بود، چراکه روز نمایش فیلم هم زمان بود با 25 آبان، سالروز این رویداد تاریخی. پس از نمایش فیلم بحث‌ها و جدل‌های گسترده‌ای میان تماشاگران، فعالان حوزه‌های مسائل حقوق بشری، منتقدین هنری و همینطور کارگردان فیلم صورت گرفت. دامنه بحث‌ها از حدود مسئولیت‌ها در کم‌وکیف‌گزینش و کارکرد اسناد در ساخت این گونه فیلم‌ها تا به چگونگی پرداخت‌های سینمایی و شکل‌های بیانی این نوع فیلم‌های مستند کشیده شد؛ بحث‌هایی که در نوع خود پویانده و مسئولانه بودند.

فیلم دیگری که توجه بینندگان را به خود جلب کرد فیلم مستند "ستاره گمشده" ساخته عبدالرضا کهن روز بود. فیلم، روایت یک سرباز ایرانی است که در جنگ ایران و عراق اسیر عراقی‌ها می‌شود.



Open Forum - جلسه ی بحث و گفتگوی فیلم ستاره گمشده (از راست به چپ) بهرام رحمانی، هومن میرفتاحی - شخص اصلی فیلم، عباس یوسف پور فیلمساز و منتقد فیلم، عبدالرضا کهن روز کارگردان فیلم، یوهان بری استروم فیلمساز- نویسنده و عضو کمیته انتخاب فیلم جشنواره، یدی شیشوانی تحلیل گرسیاسی - اجتماعی و از رهبران سیاسی چپ.

هومن میرفتاحی پنج سال از جوانی خود را در اردوگاه های هولناک عراق و در زیر انواع و اقسام شکنجه های روحی و جسمی می گذراند. به قول خود وی، او معتقد و باورمند به مذهب بود، اما به هنگام آزادی از اسارت ایمان خود به مذهب را از دست داده بود و از این رو جهت گیری او نه برای حاکمیت اسلامی ایران و نه حتی برای برخی از اسرای مذهبی - که سال ها در کنار هم بودند - قابل قبول نبود. سرانجام او در اثر فشارهایی که از سوی حکومت و اطرافیان در ایران با عنوان "مرتد" بر او وارد شده بود، مجبور به فرار ایران شده و پناهنده آلمان می شود.

فیلم دیگری که جذاب و دیدنی بود فیلم مستند "دشمنان بچه ها - Children of the Enemy" بود که شرح حال پدر بزرگی است که دخترش به داعش پیوسته بود و او توانست از گوتنبرگ به روزاوا برود و نوه های خود را از آنجا به سوئد بیاورد.

ده ها تن از کودکان سوئدی تبار در اردوگاه های تحت کنترل نیروهای سوریه دموکراتیک در مناطق شرق سوریه به سر می بردند. در این میان اما داستان این هفت کودک سوئدی که در اردوگاه "الهول" سوریه به سر می بردند، افکار عمومی سوئدی ها را به خود جلب کرد. این ۷ کودک فرزندان یکی از جنگجویان داعش به نام "مایکل اسکرومو" هستند که به داعش پیوست و در سوریه کشته شد.

این فیلم به عنوان برنامه اختتامیه جشنواره با حضور کارگردان فیلم و پدر بزرگ بچه ها دوباره به نمایش گذاشته شد. بعد از نمایش فیلم بحث و گفتگو و همچنین شعر خوانی و موسیقی " پاتریسیو گالوز - Patricio Galvez" پایان بخش به شدت تأثیر گزار برگزاری دوره پانزدهم جشنواره بین المللی سینمای تبعید - سوئد بود.



بحث و گفتگوی بعد از نمایش فیلم دشمنان بچه ها در مراسم اختتامیه جشنواره (از راست به چپ) - پاتریسیو گالوز- پدربچه ها، گورکی مولر کارگردان فیلم، یوهان بری استروم گرداننده و هماهنگ کننده جلسه بحث و بررسی، آزاده نجفی مجری برنامه.

در رابطه پرداختن و نوشتن درباره مجموعه فیلم های این دوره از جشنواره، به خصوص فیلم های سینماگران ایرانی؛ که به گواهی اکثر تماشاگران و منتقدین سینمایی از آثار درخشان سینمای امروز در سطح جهان می باشند؛ برای من در این گزارش محدود با نگاه کلی امکان پذیر نیست.

امیدوارم که نویسندگان سینمایی و همینطور همکاران مطبوعاتی جشنواره همت کنند و مقاله هایی در معرفی و بررسی فیلم ها برای به فارسی برای آگاهی هموطنانمان نوشته و منتشر کنند. البته درباره فیلم های بسیار خوب غیر ایرانی هم که خوشبختانه تعدادشان کم نبودند؛ به شماری از مهمترین آن ها اشاره میکنم:

- سگ های ولگرد کنل - The Colonel's Stray Dogs ، ساخته خالد شمیس ؛ از افریقای جنوبی، لیبی و انگلستان
- دیوار - Wal، ساخته سیمون بیتون ؛ از فرانسه و اسرائیل
- فرارکن - Flee، ساخته یونس پوهر راسموسن؛ از دانمارک
- کشور کوچک - Petit Pays، ساخته ازیک باربر؛ از فرانسه و بلژیک
- وفردا همه ی جهان And Tomorrow the Entire World، ساخته ژولیا فون هاینر؛ از آلمان

..... و فیلم های برنامه فوق العاده "زنان افغانستان می توانند!!"؛ البته این اشاره های گذرای من ادای دین به ارایه طرح کلی از فیلم های این جشنواره معتبر و متفاوت در این نگاه نوشتاری می باشد.



مراسم اختتامیه جشنواره (از راست به چپ) - پاتریسیو گالوز- پدر بزرگ بچه های اسیر، گورکی مولر کارگردان فیلم دشمنان بچه ها، حسین مهینی مدیر هنری جشنواره و آزاده نجفی مجری برنامه.

در قطار نشسته ام و راهی استکهلم هستم. در امتداد چشم اندازهای مه گرفته ی پنجره قطار، لحظه های پر شور روزهای جشنواره، همچون نوارهای صحنه های فیلم ها شتابان ظاهر می شوند؛ لحظه هایی که شادمانه در رقص نور جشنواره در امتداد چشم انداز پشت شیشه پنجره قطار پای کوبی می کنند. فیلم ها را می بینم، سینماگران را، تماشاگران آشنا و نا آشنا را، گفتگوهای گذری را، کنکاش های شبانه را که تا آستانه های صبح ادامه داشتند. بحث های بعد از جشن شبانه افتتاحیه جشنواره که تا آستانه صبح - چهار صبح - ادامه داشت و جمع را میل به گذاشتن نکته پایان به آن لحظه های شب نشینی نبود. حتی عزیز سینماگری که قرار بود طبق برنامه اعلام شده فیلمش در ادامه همان سحرگاه، در ظهر آن روز، روز دوم جشنواره به نمایش گذاشته شود، اما او همچنان در پی پیاله های دیگر در تشنگی، نوش شیدایی حضور جمع بود.

... و می شنوم میکائیل ویه را که در پهنشست مه گرفته چشم اندازم؛ نوید طلایه داران پراز شور و امید - نسل نو را می دهد:

"وقتی پا به سن گذاشته ایم

و موهایمان سپید شده است
وقتی زندگی رو به تاریکی می نهد
و روزهایمان سپری شده است
وقتی قامتمان خمیده است
... و گام هایمان سنگین
آنگاه صداهایی نو، دوباره می خوانند".



درحاشیه جشنواره ؛ بررسی از بحث های ممتد شبانه های جشنواره.

شور و سرمستی؛ واقعا نمی توانم از حس های درونی ام از لذت و شادی هایم در باره اینکه توانسته بودم در برگزاری این دوره از جشنواره شرکت بکنم، پاره هایی را ننویسم.
... و کوتاه ؛ به نظر من این جشنواره یکی از اقدام های مهم فرهنگی - هنری نهادینه شده جمع ایرانیان در تبعید است که در این سه دهه بی وقفه به جریان کاری خود ادامه داده است.
آرزو می کنم دست اندرکاران این جشنواره به مدیریت حسین مهینی در سال های آتی نیز این جشنواره را پربارتر برگزار کنند، مگر این که جمهوری اسلامی ایران با قدرت مردم سرنگون گردد و بازگشت ما تبعیدیان واقعیت پیدا کند و چنین جشنواره ای در ابعاد گسترده تری در تهران برگزار شود و سینماگران با فیلم های آزادی خواهانه و برابری طلبانه خود

در این جشنواره شرکت کنند و با فضای جامعه رها شده از چنگال خونین و دوران سیاه جمهوری اسلامی آشنا گردند!
به امید آن روز!

توضیحات:

- 1- در ارتباط با فیلم‌ها اسامی انگلیسی آن‌ها ذکر می‌شود تا جستجوی علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر در باره آن‌ها آسان‌تر شود.
- 2- ABF- اتحادیه آموزشی سندیکاهای کارگران سوئد، بزرگترین تشکیلات آموزشی آزاد غیرحزبی در سوئد است. این اتحادیه از شصت سندیکای کارگری وانجمن‌های مردمی تشکیل شده است.
- 3- میکاییل ویه - Mikael Wiehe ، متولد 1946، خواننده، ترانه‌ساز و آهنگساز. از چهره‌های اصلی جنبش موسیقی چپ - پاپ دهه هفتاد؛ و موسیقی مترقی امروز سوئد است. میکاییل ویه در سال‌های 1988 و 200 برنده جایزه معتبر جهان موسیقی " گرمی- Grammy Award " شده است. از منظر سیاسی میکاییل ویه عضو حزب کمونیست انقلابی سوئد می‌باشد.
- 4- ترجمه فارسی ترانه صداهایی نو دوباره می‌خوانند از سلیمان قاسمیانی